کردم این کار را به فرزندانم بیاموزم اما نه آن‌طور که انتظار می‌رفت چرا که حفظ اشعار موسیقی درک بسیاری می‌خواهد و نسل امروز فاقد این درک و دانش هستند و بی‌شک به همین سبب است که موسیقی به سمت دیگری رفته است. به‌طور مثال در استانی چون مازندران که مهاجرخیز است تعصب کمتری به موسیقی گذشتگان دیده می‌شود حتی نسل جوان آن نمی‌دانند این موسیقی و اشعار قدیمی آن از کجا آمده و چه هستند! و هر موسیقی را که گیرشان می‌آید، می‌خوانند و اجرا می‌کنند و براساس همین اتفاقات ناخوشایند و نگران کننده است که تصمیم گرفتم در ترویج این موسیقی کار کنم تا همین اندک شمار علاقه‌مندان به موسیقی مقامی مازندران حفظ شوند و نگذاریم این موسیقی به‌دلیل نا آگاهی نسل جوان از بین برود. جالب است بدانید حتی برای ثبت این ساز و مقام‌های باقی مانده آن دوران هم اقدامی انجام نگرفته و شاید به‌همین دلیل است که من آخرین راوی موسیقی مقامی مازندران هستم. البته آگاه کردن نسل امروز با منظومه‌های قدیمی وظیفه رسانه ملی است و باید از ما بخواهند این کارها خوانده و اجرا شود تا تأثیر آن را در زندگی مردم ببینید اما نمی‌دانم سهواً یا عمداً است اما به این موضوع اهمیت نمی‌دهند.»

او مقصر اصلی انحرافی را که درجوانان وفرهنگ وهنر اقوام ایران دیده می‌شود صداوسیما و دسترسی به فضاهای مجازی و اینترنت می‌داند و دراین باره اظهار می‌کند:«قطعاً اگر تلویزیون نبود شرایط هنر و فرهنگ ما اینگونه نمی‌شد که امروز شاهد آن هستیم. به یاد دارم آن دوران که نه رادیویی دردسترس بود ونه تلویزیون، شب‌های بلند پاییز خانواده‌ها به دورهم جمع می‌شدند وبه پاک کردن پنبه که درآن فصل انجام می‌گرفت می‌پرداختند و البته سرگرمی‌های دیگری هم بود مانند اجرای موسیقی و رقص‌های محلی اما در این سال‌ها و توجه بیشتر به برنامه‌های صداوسیما چیزی جز تخریب فرهنگ و هنر در خانواده‌ها نداشته و هنر را به سمتی برده است که تعریف و هویت آن مشخص نیست به‌طور مثال اگر در یک برنامه تلویزیونی اجرای موسیقی داشته باشید بعد از ۳ دقیقه، ۴ نفر دستشان را بالا می‌برند که دیگر کافی است برنامه باید قطع شود و این اجرای بسیار اندک هم فقط به این دلیل است که کار خودشان را پیش ببرند وگرنه هدفشان معرفی موسیقی اصیل نیست وتنها به تخریب آن می‌اندیشند؛ حتی این حساسیت‌ها در اینجا بیشتر هم هست و درسیمای مازندران نه تنها سازی نشان داده نمی‌شود بلکه از حضور و اجرای هنرنمایی نوازنده‌ها هم در تلویزیون ممانعت می‌کنند. به‌طور مثال مدت‌ها قبل به یک برنامه تلویزیونی دعوت شدیم و قرار بود اعضای گروه هم دراین برنامه حضور و اجرا داشته باشند اما به بهانه‌های مختلف مانع از حضور این دوستان شدند و گفتند نامشان در لیست ورود به برنامه قرار ندارد وانجام این رفتارهای مختلف دیگر آزاردهنده و خسته کننده شده است و شاید یکی از دلایلی است که جوانان با این موسیقی‌ها آشنایی اندکی دارند یا استقبال کمتری صورت می‌گیرد به همین سبب ترجیح شان براین است با یک ساز ارگ در مجالس عروسی بنوازند آن هم از نوع موسیقی که مخاطب امروز جامعه است.» اما استاد محمد آخرین خنیاگرموسیقی نواحی مازندران، هیچ گاه این مسیر را در پیش نگرفت واگر به مراسم و مجالسی دعوت می‌شد موسیقی‌های خاص و اصیلی را در آن مراسم اجرا می‌کرد که در گذشته خوانده می‌شد. واژه خنیاگر به تعریف او به عصر ساسانیان برمی‌گردد وباربد تنها خنیاگری بود که در دربار خسرو پرویز در ۳۶۰ روزسال ۳۶۰ آهنگ ساخت. البته تعداد بیشماری از این آثار ثبت نشد، به‌طور مثال نوروز خوانی یکی از آثار باربد است.

> هیچ ارگانی آثار شفاهی موسیقی مازندران را حمایت نمی‌کند، چندی پیش دانشگاه علمی کاربردی آمل پیشنهاد کرد اما تنها بخشی از کار جمع‌آوری شد و داستان‌های بسیاری باقی مانده است که باید ثبت شود. حوزه هنری تهران هم قرار بود همکاری‌هایی داشته باشد اما امکان اینکه به تهران سفرکنم میسر نشد

■ **وارث گرانبهای موسیقی**

موسیقی درخانواده استاد محمد اسحاقی گرجی موروثی است و چهار فرزند او هم به نوازندگی دوتار و کمانچه مشغول اند وهریک هنرمندانی تراز اول در سطح کشور هستند. او سال‌ها قبل گروه موسیقی تشکیل داد، اما به دلیل اینکه بهایی برای آن قائل نشدند این گروه منحل و اعضای آن متفرق شدند و امروز فرزندانش همراه و همکار او هستند. استاد محمد درباره ترانه‌ها و اشعاری که با سازهای اصیل موسیقی مازندران خوانده و اجرا می‌شود می‌گوید: «ترانه‌ها و اشعار ما بر دو بخش است عاشقانه و عارفانه که منظومه‌های عاشقانه آن شامل داستان‌های «لیلی و مجنون»، «عزیز و نگار»، «نجما و رعنا»، «حسینا و نباتی»، و... است، داستان‌های ایرانی عاشقانه که به موسیقی مازندران وارد شد و با ملودی خاص این منطقه اجرا می‌شود. بخش دیگری از این منظومه‌ها، عرفانی است و برگرفته از اشعار حقانی و مذهبی بوده مانند داستان‌های امام رضا(ع) یا حضرت یوسف، البته اشعار مازنی در شرق و غرب این منطقه تقریباً یکی بوده اما گویش‌های آن متفاوت است.»

محمد رضا اسحاقی جدا از پرداختن به هنر اصیل موسیقی مازندران دستی هم در نقالی خوانی دارد؛ هنری با پیشینه‌ای کهن که تقریباً فراموش شده است و نسلی که این حرفه را به‌صورت جدی دنبال می‌کردند ادامه دهنده‌ای نداشتند.«از نگاه من اگر هرداستان به صورت نقالی روایت شود ماندگاری و کیفیت بهتری دارد و حتی بیشتر مورد توجه قرارمی گیرد، اما متأسفانه نسل امروز هیچ آگاهی و آشنایی با این هنر ندارد والبته بستری هم برای آنها فراهم نبوده است. من هنر نقالی را از گذشتگان خود آموختم، نقالان بزرگی مانند مرحوم نظام، قدر و... پیرمردهایی که حرفه‌شان نقالی بود اما آنچه ازاین هنر امروز باقی مانده و عرضه می‌شود تنها شاهنامه خوانی است که در برخی مجالس و در خانه‌های مردم برگزار می‌شود.» او فعالیت در تعزیه خوانی را هم این‌گونه تعریف می‌کند:«تعزیه یک هنر ملی و مذهبی است ،اما با فوت پیشکسوتان این هنر، تعزیه خوانی هم تقریباً تعطیل شد و شاید درآمل و برخی مناطق اطراف آن اندکی رونق داشته باشد، البته در شهرهایی همچون اصفهان، تهران، قزوین و... همچنان به شکل سنتی اجرا می‌شود که بیشتر به صورت آواز بوده اما تعزیه‌ای که در مازندران اجرا می‌شود برگرفته ازموسیقی مقامی این منطقه است.»

■ **ضرورت حمایت از آثار شفاهی**

برخی از آثاری که محمد اسحاق گرجی اجرا کرده همچنان ثبت و ضبط نشده و از این موضوع گلایه مند است: «هیچ ارگانی آثار شفاهی موسیقی مازندران را حمایت نمی‌کند، چندی پیش دانشگاه علمی کاربردی آمل پیشنهاد کرد اما تنها بخشی از کار جمع‌آوری شد و داستان‌های بسیاری باقی مانده است که باید ثبت شود. حوزه هنری تهران هم قرار بود همکاری‌هایی داشته باشد اما امکان اینکه به تهران سفرکنم میسر نشد.» و سرانجام این پیشکسوت موسیقی مازندران براین تصمیم شد با تأسیس ساختمانی که مختص به هنرمندان است در جهت حفظ و پایداری موسیقی این منطقه آنچه درتوان دارد به‌کار ببندد؛ خانه‌ای به سبک قدیمی با دالان‌های تو در تو و ۵۲ پنجره که هر کدام رنگ‌های مختلف دارند. به‌گفته خودش ساخت این ساختمان به هزینه شخصی خودش بوده ،اما به‌دلیل گسترش ویروس کرونا درحال حاضر ادامه ساخت آن متوقف شده است. محمدرضا اسحاقی گرجی سال ۹۰ به‌عنوان سفیر فرهنگی مازندران معرفی شد و در ایران و شهرهای اصفهان، اراک، تهران و...و در خارج از ایران؛ در ترکمنستان کنسرت‌های بی شماری برگزار کرد و براین نظر است خارج ازایران آشنایی بیشتری با موسیقی اقوام ایران دارند.«آرش کمانگیر»، «شبی به نغمه و نوا» از کارهای ماندگار این هنرمند بزرگ است و درکنار آن پنج قطعه برای شهدای مازندران ساخته است، او این ماه‌ها و روزها که تمامی برنامه‌های فرهنگی و هنری تعطیل بود به ساختن ساز مشغول شد.

استاد محمد در ۷۵ سالگی بسر می‌برد و ۶۰ سال ازعمر هنری خود را در عرصه موسیقی سازنواخته و خوانده است ،البته بیشتربه نواختن دوتار که ساز خنیاگران است می‌پردازد و کمتر به سراغ« للّه وا »از سازهای اصیل این منطقه می‌رود چرا که نواختن آن با دندان کمی مشکل است. این هنرمند پیشکسوت موسیقی ایران این روزها به تدریس موسیقی تعدادی از شاگردان خود در منزل هم مشغول است و مابقی شاگردان زیر نظر پسرانش در آموزشگاه تعلیم می‌بینند. از دیگر فعالیت‌های او دراین سال‌ها حضورش به‌عنوان نوازنده و خواننده در موسیقی متن سریال پایتخت به همراهی گروه موسیقی محلی مازندرانی «تبری»است که گویش و کلام روستایی این منطقه را به زیبایی بیان می‌کند و این زیبایی و سادگی موجب شده این سریال علاقه‌مندان بسیاری را به خود جذب کند، البته انجام این کارچندان مورد رضایت او نبوده وبراین نظر است این کار بدون اطلاع او پخش شده و حتی یک تشکر هم از این همکاری انجام نگرفته است.

■ **تقدیر در سال کرونا**

محمدرضا اسحاقی گرجی در سال ۱۳۶۴ به جشنواره فجر دعوت شد و فعالیت موسیقی‌اش را به صورت رسمی و جدی در بزرگترین جشنواره موسیقی ایران آغاز کرد. و در سال ۹۷ با حضور مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مازندران وجمعی از مسئولان کاشی ماندگار محمدرضا اسحاقی بر سر درب منزل این استاد نصب شد.

او در سال ۱۳۶۵ گروه موسیقی «مشتاق حسن» را با کمک محمد صادق اسحاقی گرجی پایه‌گذاری کرد و این گروه از هفتمین دوره جشنواره موسیقی فجر به بعد، در حدود ۲۶ جشنواره شرکت داشته و موفق به کسب مقام شده است؛ به بهانه تجلیل از این هنرمند بزرگ از او سؤال می‌کنم چه خواسته‌ها و انتظاراتی از مسئولان هنری دارد که پاسخ می‌دهد:«مردم کشورم را دوست دارم و هیچ خواسته‌ای ندارم، البته دیگر عمری باقی نمانده است که کاری برای من انجام شود؛ قبل‌تر از بزرگان موسیقی که پیشکسوتان ما بودند تقدیر به عمل می آمد و امروز نوبت ما است؛ سال‌ها قبل که در جشنواره موسیقی فجر شرکت می‌کردم تاریخ برگزاری آن از ۱۲ تا ۲۲ بهمن ماه بود و هنرمندان بسیاری از کشورهای مختلف در لابی هتل کنار هم جمع می‌شدیم و تبادل فرهنگی انجام می‌گرفت اما امروز از ما می‌خواهند از این ساعت تا این ساعت به سالن برویم وبعد هر کسی به‌دنبال کار خود برود. بنابراین با این شرایط کرونا نمی‌توانیم ارتباط و تبادل فرهنگی داشته باشیم.»

نمی‌توانستیم صدای موسیقی ایرانی را با این ساز اجرا کنیم و بشنویم و من تا آنجا که در توانم بوده و ذهنم یاری کرده تلاش کردم در بهترنواختن این ساز ابداعاتی انجام بدهم البته شاید در نسل‌های بعد نوآوری‌های دیگری در آن انجام بگیرد. من به لطف خدا این توفیق را به‌دست آوردم سازی که ناشناخته بود به موسیقی ایرانی وارد کنم اما این سازکه کاملاً ایرانی است تا به امروز ثبت ملی نشده است و بارها و بارها خواهش کردم این اقدام انجام بگیرد اما آنقدر تعلل صورت گرفت تا جمهوری آذربایجان این ساز را به‌نام خود در یونسکو به ثبت رساند. البته این اتفاق تنها در سازهای ایرانی دیده نمی‌شود بلکه این بی‌توجهی در فرهنگ ما هم نمودار شده تا برخی مشاهیر و ادبا و صنایع دستی ما به‌نام کشورهای دیگر در یونسکو به ثبت برسد.»

■ **امید به نسل جوان موسیقی**

این آهنگساز و نوازنده کم نظیر ساز «قانون» در طول فعالیت هنری اش که عشق به موسیقی بود شاگردان بسیار خوبی تربیت کرد که هر یک معلمان شناخته شده‌ای در کشور هستند و این امر بیانگر آن است که این شاگردان آن عشق را بخوبی درک کرده‌اند و با تلاش بسیار استاد خود در معرفی و آموزش این ساز آشنا هستند.

ملیحه سعیدی دراین روزها و ماه‌های کرونایی به کار آهنگسازی هم مشغول است و در این باره می‌افزاید:«چندین کار ساخته‌ام که یکی از آنها آماده اجرا با خواننده است که به‌دلیل شیوع این بیماری فعلاً متوقف شده است ،چرا که به‌دلیل مشکلات ریوی و جراحی قرنیه چشم هرگز از منزل خارج نمی‌شوم و اغلب کارهایم را تعدادی از شاگردان با وفایم انجام می‌دهند. من عاشقانه این ساز را دوست می‌دارم و تا آنجا که در توانم باشد تا پایان عمرم به موسیقی خدمت و تلاش خواهم کرد این رسالت را به پایان برسانم،البته براین نظرم آموختن هنر پایانی ندارد و هیچ فردی به مرحله آخر نخواهد رسید و تنها رسالتی بر عهده اوست که باید به انجام برساند و نسل‌های بعد ادامه دهنده این راه هستند تا این هنر نسل به نسل و سینه به سینه منتقل شود. به اعتقاد من اگر کسی اندیشه کاملی داشته باشد و بداند دراین دنیا و کائنات ذره‌ای بیش نیست و غرور را کنار بگذارد موفق خواهد بود ،اما متأسفانه در تمامی رشته‌های هنری منیتی وجود دارد که هنرمند را نازیبا نمایان می‌کند و این درحالی است که باید درکارهایمان خلوص نیتی داشته باشیم تا ارتباط الهی که به دنبال آن هستیم برقرار شود. بزرگان هنر و موسیقی که در روزگار خود موفق بوده‌اند و به جایگاه رفیع رسیده‌اند هیچ ادعا و غروری در زندگی هنری خود نداشته‌اند و معتقد بودند گذر زمان همه چیز را آشکار خواهد کرد. به گفته حضرت مولانا: «دنیا همه هیچ و اهل دنیا همه هیچ / ای هیچ برای هیچ بر هیچ مپیچ...»

ملیحه سعیدی پیش از انتخاب ساز قانون با نواختن سازهایی چون ویولن آلتو، ویولن، قیچک، تنبک و پیانو هم آشنایی داشت و آموختن آن را در هنرستان موسیقی ملی که ریاست آن را زنده یاد حسین دهلوی بر عهده داشت زیر نظر استادان مختلف آموزش دیده است و در همان مکان علمی جذب این ساز می‌شود: «معلم خارجی داشتم که مایستر ارکستر سمفونیک بود و ابتدا آموزش ویولن را با او شروع کردم و بسیار خوب می‌نواختم به‌طوری که در سال اول هنرستان موفق به دریافت جوایز متعددی شدم اما زمانی که صدای ساز قانون را شنیدم مجذوب این ساز شدم و خواهش کردم به‌عنوان ساز دوم آن را آموزش ببینم ،البته آن زمان کلاس هشتم بودم و انتخاب ساز دوم از کلاس دهم به بعد انجام می‌گرفت اما چون در ویولن نوازی تبحر خوبی داشتم این خواهش من مورد قبول واقع شد و مورد رضایت استاد دهلوی قرار گرفت و توانستم پیشرفت خوبی در آموزش این ساز داشته باشم. اما نواختن تنبک را در منزل آموخته‌ام. خواهرم نوازنده سنتور بود و من تنبک؛ معلمی داشتیم که در هفته جلساتی در منزل برگزار می‌کرد،البته باید بگویم من و خواهر و برادرهایم در یک خانواده فرهنگی متولد شده‌ایم و رشد کرده‌ایم و تقریباً همه اعضای خانواده ما به موسیقی علاقه‌مند هستند و انتخابشان بوده است. یکی از برادرانم که یک سال از من کوچکتر است تار و سه تار می‌نوازد و در همان دوران نوجوانی در ارکسترها می‌نواخت. خواهر دیگرم نوازنده «کلارینت» است و یک خواهرم دیگرم که خارج از ایران زندگی می‌کند فلوت می نوازند و امروز موسیقی به نسل بعد از ما هم منتقل شده و برادرزاده هایم دراین زمینه کار می‌کند، مانند حنانه سعیدی که از نوازنده‌های جوان ساز قانون است.

ملیحه سعیدی از نخستین دوره برگزاری جشنواره ملی موسیقی جوان در این جشنواره حضور داشته است و نگاه خوبی به نسل جوان موسیقی دارد:« اگر نسل جوان حمایت نشود قطعاً آینده روشنی نخواهند داشت. متأسفانه شاهد هستیم یک تعداد از فارغ‌التحصیلان موسیقی برای امرارمعاش در گوشه و کنارِ خیابان‌های شهر به نواختن ساز می‌پردازند و این موضوع برای مملکت ما که دارای فرهنگ و هنری غنی است یک فاجعه محسوب می‌شود، بنابراین لازم است این جوان‌ها از سوی دولت حمایت شوند تا به این شرایط دچار نشوند. من از برگزار کنندگان جشنواره موسیقی فجر که من را مورد لطف خود قرار داده‌اند کمال تشکر را دارم و تقاضا داشتم ای کاش بخشی از هزینه‌های برگزاری این جشنواره‌ها را به جوانان هنرمند کشور اختصاص می دادند تا استعدادهای نوظهور موسیقی ایران بارور شوند. هرچند برخی از این جوان‌ها علاقه‌مند به شرکت و دیده شدن دراین جشنواره‌ها هستند و به هنرنمایی می‌پردازند اما بعد از آن چه خواهد شد! باید به جوانان جایگاه و امکانات داد و اگر این نگاه‌ها وجود نداشته باشد این استعدادها از بین خواهند رفت؛ در شهرستان‌های کشورمان موزیسین‌هایی زندگی می‌کنند که با مشکلات بسیار دست و پنجه نرم کرده‌اند و نیاز است به آنها توجه و رسیدگی شود. مسئولان فرهنگی باید هنرمندان را تأمین کنند تا آسایش داشته باشند و بتوانند به هنر خود بپردازند.»

■ **ادامه راه پیشکسوتان**

او معتقد است دراین سال‌ها نه تنها درموسیقی پیشرفتی حاصل نشده بلکه پسرفت هم داشته‌ایم ،چرا که نسل‌های بعد نتوانستند مسیر استادان بزرگ ایران همچون جلیل شهناز، حسن کسایی فرامرز پایورو داریوش صفوت را ادامه بدهد و این امر نیاز به حمایت داشت: «آن دوران که در موسیقی فعالیت می‌کردیم شرایط به گونه‌ای دیگر بود و در ارکسترهای مختلف ساز می‌نواختیم و تشویق می‌شدیم ،به‌عنوان مثال زمانی که در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران فعالیت داشتیم کاری انجام نمی‌شد، تنها حقوق می‌گرفتیم که تحقیق کنیم اما آیا دراین سال‌ها چنین مرکزی ایجاد شده است؟ جالب اینکه فعالیت به گونه‌ای شده که جوانان شبانه روز در تلاش هستند اما حقوق آنچنانی دریافت نمی‌کنند! چرا آدم‌ها اینقدر بی‌احساس و بی‌انگیزه شده‌اند!

ملیحه سعیدی را می‌توان از بانوان موفق موسیقی ایران معرفی کرد که توانست با هر نگاه و سلیقه‌ای ایستادگی کند اما هنرش محفوظ بماند و انتظار داشت دیگر بانوان موسیقی همین نگاه را داشته باشند، اما از وضعیت امروز موسیقی بانوان بسیار گلایه مند است و سالن‌های کنسرت را شبیه سالن مد می‌داند تا یک برنامه اجرای موسیقی که محتوایی در آن دیده نمی‌شود. او هیچ گاه نگاه جنسیتی به هنر نداشته و سال‌ها قبل که گروه «نیریز» را راه‌اندازی کرد با خانم‌ها و آقایان اجرا داشته که بسیار مورد استقبال قرار گرفت،البته حدوداً ۱۲ سال است کنسرت موسیقی برگزارنکرده و نسبت به هزینه بالای سالن ها گلایه مند است و دیگر اینکه قشر جوان و دانشجوی موسیقی استقبال اندکی از این موسیقی‌ها دارند.

بیش از ۶۰ سال تلاش او در عرصه موسیقی نام ملیحه سعیدی پیشکسوت ساز قانون را در تاریخ موسیقی به ثبت رسانده است و به همت او شاگردان تراز اولی تربیت شد تا امروز شاهد آموزش این سازدر سرتاسر کشور باشیم .او در پایان گفت‌وگوی صمیمانه‌اش آرزوی خود را اینگونه مطرح می‌کند: «خواسته من آرامش در مملکت است و آرزو دارم مردم کشورم را در آرامش، رفاه و امنیت ببینیم و نکته دیگر اینکه ما آدم ها خودمان و عقبه‌مان را فراموش نکنیم، اگر با خدا به صداقت رفتار کنیم قطعاً از مردم همچنین عدالت و انصافی را خواهیم دید.

آنچه در جشنواره می‌بینید و می‌شنوید

■ **جشنواره به طیف خاصی از موسیقی تعلق ندارد**

حمید غلامعلی از خواننده‌های دهه ۷۰ موسیقی پاپ است که آثار نوستالژی از او به یادگار مانده است. البته خواننده‌های آن دوران چند سالی به مدد نسل نوظهور موسیقی پاپ ایران که آثار چندان بامحتوایی هم ارائه نمی‌کنند از شرکت در جشنواره موسیقی فجر نادیده گرفته شده‌اند. این هنرمند امسال به دعوت ستاد برگزاری سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر در این رویداد هنری شرکت کرده است که البته بخشی از قرار حضورش را به سبب لطف محمدرضا چراغعلی می‌داند. او درگفت‌وگو با «ایران» دراین باره گفت: در دوره حاضر شاهد حضور نسل‌های قبل موسیقی پاپ بودیم که اقدام بسیار خوبی است؛ هرچند که شاید جا داشت پیش از من از دیگر هنرمندانی دعوت شود که در جایگاه پیشکسوت در این بخش موسیقی کشورمان هستند. با این حال در آغاز این حرکت ما نیز تلاش کردیم با قاسم افشار که از نخستین خوانندگان موسیقی پاپ بعد از انقلاب‌مان به شمار می‌آید کار خوبی اجرا کنیم. ای کاش مجریان و یا برگزارکنندگان جشنواره، سال‌ها قبل هم به فکر دعوت از پیشکسوتان موسیقی پاپ می‌افتادند. او درادامه افزود: امسال در شرایط متفاوتی جشنواره برپا شده، شرایطی که به اجبار اجراها را به سمت قالب آنلاین برده است. امیدوارم هرچه زودتر بتوانیم به روال گذشته بازگردیم و در اجراهای حضوری شاهد استقبال مردم باشیم. البته چاره‌ای جز اجرای آنلاین جشنواره نیست؛ هر چند که فقدان اجرای حضوری بویژه در ارتباط با موسیقی پاپ که تعامل بیشتری با مخاطب را طلب می‌کند کار را پیچیده‌تر کرده است، چرا که حضور تماشاگران و علاقه مندان موسیقی به شکل مستقیم است و شور و هیجان بیشتری به کنسرت می‌دهد. هرچند چاره‌ای جز رعایت پروتکل‌ها و اجراهای اینچنینی نداریم، حداقل از این طریق فرصتی فراهم شده که در خدمت مردم باشیم. این خواننده بیان کرد:

خوشحال هستم و امیدوارم در صورت تداوم اجراهای آنلاین در کنار آن اجراهای حضوری را هم شاهد باشیم. اما در پاسخ به اینکه قرار است چه قطعاتی را اجرا کنیم اجازه بدهید چیزی نگویم، ترجیح می‌دهم علاقه مندان را در زمان اجرا غافلگیر کنیم؛ البته اغلب قطعات پیش‌تر اجرا شده‌اند هرچند که میان آنها کارهای تازه‌ای هم هست. در جشنواره حاضر اجرای من و قاسم افشار همزمان نیست، گویا نخست من آغازگر برنامه هستم و بعد اجرایی مشترک خواهیم داشت و در ادامه قطعه بعدی را ایشان می‌خوانند. به گمانم نقطه قوت جشنواره موسیقی فجر این است که به طیف خاصی نمی‌پردازد و همه گروه‌های موسیقی در آن حضور دارند و هرکسی به هر سبکی که علاقه‌مند باشد می‌تواند در آن شرکت کنند. حتی خیلی‌ها طی حضور در جشنواره علاقه مندی‌های تازه‌ای پیدا می‌کنند و از همین رو می‌توان به این نکته پی برد که جشنواره می‌تواند حتی در معرفی سبک‌های مختلف مؤثر باشد؛ حتی مردم هم بیش از پیش می‌توانند با موسیقی نواحی و فولکلور آشنا شوند.

■ **کنسرت ترانه باران - خواننده قاسم افشار و حمید غلامعلی**

■ **برای تجربه نخست قابل قبول است**

احمد مقدسی‌زاده برای نخستین بار با ارکستر پارسوا در جشنواره شرکت کرده است. او دراین باره به «ایران» گفت: اجرای ارکستر ما با آخرین روز برپایی جشنواره همزمان می‌شود که این نخستین تجربه حضور گروه‌مان در جشنواره موسیقی فجر است، البته در خلال برگزاری سی‌وچهارمین دوره جشنواره از استان البرز در این رویداد هنری شرکت کرده بودیم. با وجود این که طی این دو سال ارکستر را در جایگاه رهبر همراهی کرده‌ام اما پیش‌تر خودم به‌عنوان نوازنده در دوره‌هایی از این جشنواره حاضر شده بودم. از این نکته که بگذریم امسال اهالی موسیقی و همچنین مردم در مواجهه با جشنواره موسیقی فجر با تجربه تازه‌ای روبه‌رو شده‌اند، محدودیت‌های برآمده از کرونا مسئولان موسیقی را همچون دیگر بخش‌ها به سوی بهره‌گیری از فضای مجازی و اجراهای آنلاین سوق داده است. البته از آنجایی که نخستین تجربه جدی‌مان را پشت سر گذاشتیم به گمانم مجریان برپایی جشنواره با مشکلاتی روبه‌روشدند که چندان غیرعادی هم نبود، به‌نظر می‌رسید در مواردی دست به آزمون و خطا زده‌اند. با اینکه همه ما متوجه تلاش این عزیزان برای برپایی هرچه بهتر جشنواره بودیم اما خواه ناخواه سال نخست جشنواره آنلاین با مسائلی روبه‌رو بود. از طرفی بواسطه آنکه برنامه‌ها در تالار رودکی ضبط شده است، برای ارکسترهایی همچون ارکستر ما که گروه بزرگی است و صدابرداری پیچیده‌تری را هم طلب می‌کند احساس می‌کنم کار با مشکلاتی روبه‌رو شده است. البته عموما در تالار رودکی مشکل صدابرداری وجود ندارد اما به دلیل تغییراتی که درسالن ایجاد شده مانند کف پوش موکت موجب سختی صدا برداری شده است. هرچند که هنوز صدای ضبط شده را نشنیده‌ام و نمی‌توانم نظر قطعی بدهم که کار با مسائل جدی روبه‌رو شده یا نه. اما با توجه به نوع آکوستیکی که آنجا ایجاد شده گمان می‌کنم کیفیت نهایی صدابرداری آن‌طور که مطلوب‌مان

است درنیامده باشد. با این حال باز هم تأکید می‌کنم که نمی‌توان به مجریان جشنواره هم صد درصد خرده گرفت، به هرحال به ناچار بخشی از کارها باید بر اساس آزمون و خطا پیش می‌رفت تا ببینند که می‌توانند به نتایج بهتری برسند یا نه، از سوی دیگر می‌دانیم که با محدودیت‌هایی هم روبه‌رو بوده‌اند اما فیلمبرداری، مسائل گرافیکی، اجرایی و حتی تبلیغات کیفیت خیلی خوب کیفیت خیلی خوب و حتی روند انجام مرتبی داشتند حذف و بجای آن نوشته شود:«کیفیت خوبی داشتند و روند مرتبی انجام گرفته است و حتی روند انجام مرتبی داشتند قطعاتی که در آخرین روز با اجرای گروه ما پخش می‌شود، قطعاتی از موسیقی ملی ایران است با آثاری از استادان حسین دهلوی، مرتضی حنانه، جواد لشکری، علی تجویدی، حسن کسایی، بهزاد عبدی، شهرام توکلی، علی اکبر قربانی و محمد تنکابنی در کنار آن قطعاتی از آثار خودم را نیز اجرا کرده‌ام. این قطعات با صدای دو خواننده جوان نوید نوروزی و مهدی عطایی و حضور دو سولیست؛ خانم ها شیما شاه محمدی و صدا سدیفی اجرا شده است.

■ **ارکستر پارسوا**

■ **اشتیاق مردم را نمی‌بینیم**

تاج محمد یلقی از بندر ترکمن برای نخستین بار با گروه موسیقی آیریتین در جشنواره شرکت می‌کند و امیدوار است طی سال‌های آینده هم فرصتی برای اجرا پیدا کند. او به «ایران» گفت: اجرای آنلاین کیفیت چندانی ندارد و شور و حالی برای خواننده و نوازنده و حتی اشتیاق مردم دیده نمی‌شود. تاج محمد اوایل سال ۹۰ این گروه را تشکیل داد و به‌عنوان نوازنده، خواننده و سرپرست دراین گروه فعالیت می‌کند و قرار است قطعاتی از موسیقی ترکمن را به مردم ارائه کند.

■ **گروه موسیقی آیریتین**